



دیدگاه



ظاهره نصر
دکترای شهرسازی

اصلاح قانون نظام مهندسی

مدتی است جایگاه سازمان نظام مهندسی ساختمان مورد بحث قرار گرفته است که این سازمان می‌تواند زیرمجموعه‌ی نظام فنی و اجرایی کشور قرار گیرد. در طرح اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیز این مورد مطرح شده است. بایدها و نبایدهای قرارگیری سازمان نظام مهندسی ساختمان در زیرمجموعه‌ی نظام فنی و اجرایی کشور، مسأله‌ای است که به جدیت باید مورد بررسی قرار گیرد. ۱- بایدها و نبایدهای سازمان نظام مهندسی ساختمان در زیرمجموعه‌ی نظام فنی و اجرایی کشور با توجه به تاریخچه‌ی سازمان نظام مهندسی و هم‌چنین نظام فنی و اجرایی کشور، قرارگیری سازمان نظام مهندسی ساختمان به عنوان سازمان غیردولتی بزرگی که توان خود را در بیش از دو دهه کسب کرده است، زیرمجموعه‌ی نظام فنی اجرایی کشور بازگشتی به عقب است.

بیش از ۵ دهه از عمر نظام فنی اجرایی در کشور می‌گذرد. سال‌ها قبل، در سال ۱۳۱۶ هجری خورشیدی، به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های عمرانی و لزوم تهیه‌ی برنامه‌هایی برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، شورای اقتصادی تشکیل شد. در سال‌های بعد و با روی کار آمدن برنامه‌های عمرانی کشور و هم‌چنین، با توجه به تحول اقتصادی کشور مقرر شد اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت از یک طرف و سازمانی خاص به نام سازمان برنامه از طرف دیگر انجام گیرد. در سال‌های دهه‌ی بیست خورشیدی و به خصوص در سال ۱۳۲۵، قرار شد برای رسیدگی به برنامه‌های ارائه شده از سوی وزارت‌خانه‌ها، هیأت جدیدی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل شود و در ۱۳۲۷ نیز، بنا شد اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت از یک طرف و سازمانی خاص به نام سازمان برنامه از طرف دیگر انجام گیرد. سال‌های بعد نیز از وظایف اصلی نظام فنی و اجرایی راهبرد توسعه و هم‌چنین بهبود نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی بوده است. به این ترتیب، در شهریور ماه ۱۳۲۷ اداره‌ای به نام دفتر کل برنامه تأسیس شد که بعداً این اداره، سازمان موقت برنامه نامیده شد. در نهایت، طبق قانون برنامه‌ی عمرانی ایران، مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ سازمان برنامه به وجود آمد. از تکالیفی که در برنامه‌ی اول برای سازمان جدید پیش‌بینی شده بود، تهیه‌ی برنامه‌ی تفصیلی و امکان‌سنجی اجرای طرح‌ها بود. در برنامه‌ی سوم عمرانی، نظام برنامه‌ریزی تحول یافت. به‌طوری که دستگاه‌های اجرایی و وزارت‌خانه‌ها به طور مستقیم وارد فرآیند برنامه‌ریزی شدند. سازمان برنامه از حالت اجرایی خارج شد و اجرای طرح‌های عمرانی به دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها محول شد. تحولات در سال‌های بعدی نیز با چالش‌هایی همراه بود. به‌طوری که در حال حاضر از مهم‌ترین وظایف این سازمان می‌توان به راهبری و رصد توسعه‌ی کشور؛ انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی،





اجتماعی و فرهنگی کشور؛ انجام مطالعات و بررسی‌های علمی برای بهبود نظام‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی؛ تهیه و تنظیم راهبردهای توسعه و برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت؛ ارائه‌ی پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه‌ی کل کشور به مراجع ذی‌ربط؛ تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواری و ارائه‌ی آن به مراجع ذی‌ربط؛ نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و بودجه و پیشرفت دوره‌های سالانه‌ی آن‌ها و ارائه‌ی گزارش‌های لازم؛ تهیه و تدوین طرح آمایش سرزمین؛ ارزیابی عملکرد مدیریت؛ هدایت و راهبری نظام فنی و اجرایی کشور و تشخیص صلاحیت، رتبه‌بندی و ارزشیابی مهندسان مشاور و پیمانکاران در سطح کشور؛ هماهنگی و راهبری روش‌ها و برنامه‌های آماری در چارچوب نظام آماری کشور؛ تهیه‌ی نقشه و ارائه‌ی اطلاعات مکانی کشور اشاره کرد.

هم‌چنین، با درگیر کردن وزارتخانه‌ها در فرایند عملیات اجرایی کشور و محول کردن اجرای طرح‌های عمرانی به دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها در همان سال‌ها، تسهیل فرآیند برنامه‌ریزی بخشی، گسترش و تعمیم مفاهیم برنامه‌ریزی در سطح وزارتخانه‌ها نیز مدنظر قرار گرفت که نکته‌ای مثبت بود. بنابراین، وزارت راه و شهرسازی نیز جایگاهی به‌سزا در فرایند عمرانی کشور داشته که نمی‌توان نادیده گرفت.

از طرفی، سازمان نظام مهندسی ساختمان را باید سازمانی غیردولتی و مردم نهاد دانست که در جهت تحقق قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۴ به صورت رسمی تأسیس شد. مهم‌ترین اهداف این سازمان به گونه‌ای تبیین شده است که مهندس فنی و متخصص ساختمان در رأس هرم سازندگی قرار گیرند و صاحبان مهارت‌های فنی در سطوح میانی و کارگران فنی، بدنه‌ی هرم فنی ساخت‌وساز ساختمان‌سازی در ایران را تشکیل دهند. بنابراین و در همین راستا، ایجاد یک جامعه‌ی حرفه‌ای مولد ثروت، رفاه، دانش و هنر برای اعضای آن؛ مراقبت از ایمنی، بهداشت و آسایش محیط‌های مسکونی و مدیریت خردمندانه‌ی توسعه‌ی سالم فضاهای زیستی به کمک مهندسان طراح و نظارت کلی سازمان نظام مهندسی ساختمان؛ ارتقای توان سازندگی و نوآوری در صنعت ساختمان در سطح ملی و منطقه‌ای و ایجاد بستری برای رقابت‌های بین‌المللی، از مهم‌ترین اهداف این سازمان است.

شاید بتوان قرارگیری سازمان نظام مهندسی ساختمان در زیرمجموعه‌ی نظام فنی اجرایی را فقط فرار از نظارت وزارت راه و شهرسازی دانست. این در حالی است که با توجه به اهم وظایفی که برای هر مورد نظام فنی و اجرایی و سازمان نظام مهندسی ساختمان گفته شد، وزارت راه و شهرسازی باید در هر حال در برابر اقدامات عمرانی پاسخ‌گو باشد و به نظر می‌رسد در صورت تحقق این مورد، باید نظام پاسخ‌گویی نیز مورد تعریف قرار گیرد تا سازمان نظام مهندسی ساختمان نیز بتواند جایگاهی برای پاسخ‌گویی در برابر نظام فنی اجرایی داشته باشد. از سویی دیگر، یکی از اهداف سازمان نظام مهندسی ساختمان ترویج و به‌کارگیری مقررات ملی ساختمان بوده است که مرجع تدوین آن نیز وزارت راه و شهرسازی است. این در حالی است که نظام فنی اجرایی کشور دارای نشریات تخصصی است که ضوابط بر اساس مطالب مندرج در آن مدنظر قرار می‌گیرد. گفتنی است که نظام فنی اجرایی پروژه‌های مرتبط با نظام پیمان را مورد توجه قرار می‌دهد و نظام مهندسی ساختمان به مقوله‌ی ساختمان و ساختمان‌سازی مرتبط است. قرارگیری این دو مورد کنار هم به زعم این‌جانب توجیه منطقی ندارد. چرا که چگونه می‌توان در ضوابط و شرایط عمومی پیمان (با نگاه دولتی)، سازمان نظام مهندسی ساختمان (با نگاه سازمانی مردم نهاد) را دخیل دانست؟ در حالی که نظام مدیریتی سازمان برنامه و بودجه به صورت سلسله‌مراتبی، نگاهی از بالا به پایین دارد، سازمان نظام مهندسی ساختمان را که هرچند تعداد اعضای بیش از ۵۰۰ هزار نفر دارد، اما نمی‌توان در شرایط عمومی پیمان پروژه‌های عمرانی دخیل دانست. در همین راستا، چگونه مبانی تعیین قیمت خدمات مهندسی صورت خواهد گرفت؟ آیا می‌توان نگاهی که به تعیین فهرست بها در نظام فنی اجرایی در حال حاضر وجود دارد را به تعیین قیمت خدمات مهندسی برای ساختمان‌هایی که در نقاط مختلف کشور و در مساحت‌هایی متفاوت ساخته می‌شود، داشت؟

هم‌چنین، ادغام نظام فنی اجرایی و سازمان نظام مهندسی ساختمان با توجه به موارد فوق منطقی نیست. چون بخش خصوصی به‌طور کامل نادیده انگاشته خواهد شد و در بخش دولتی حل خواهد شد. این در حالی است که امروز، دولت بسیاری از امور خود را به بخش خصوصی واگذار می‌کند.

در هر صورت باید به یاد داشت که سازمان نظام مهندسی ساختمان سازمانی مردم نهاد است که در جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیراصولی پیش‌گام بوده و همواره در بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و نظارت بر حسن اجرای خدمات، الزام به رعایت مقررات ملی ساختمان و افزایش بهره‌وری، حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران از ساختمان‌ها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحقات عمومی و هم‌چنین، رشد و اعتلای مهندسی در کشور به صورت آشکار فعال بوده است. بنابراین، نمی‌توان فقط برای حذف نگاه نظارتی وزارت راه و شهرسازی از این سازمان، سازمانی مردم نهاد و غیردولتی را زیرمجموعه‌ی نظامی دولتی قرار داد.

در پایان، باید یادآور شد هرچند وضعیت کنونی ساختار نظام مهندسی ساختمان، نظام فنی و اجرایی و وزارت راه و شهرسازی به صورت ایده‌آل نیست، اما شاید بتوان بدون ادغام شدن مجموعه‌ها در یکدیگر و یا قرار دادن مجموعه‌ای به عنوان زیرمجموعه‌ی دیگر، رابطه‌ی جدیدی را تعریف کرد، به نوعی که محاسن هر دو سیستم حفظ شود و در نهایت، منفعت شامل مصرف‌کننده‌ی بیرونی باشد. ■